

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۵N۴۸۸۰۰۵۴۱۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

بررسی حق هویت کودک در حقوق ایران و فقه امامیه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۷/۲۶)

مسعود پیلتن^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

راضیه عبد الصمدی

استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات در جامعه امروز حقوق کودکان است که کمتر مورد توجه واقع شده است. از حق‌های کودک، حق هویت است که اگرچه در بطن موضوعات حقوقی وجود دارد، اما به‌طور صریح و مستقیم درباره آن در حقوق ایران و فقه امامیه سخنی به میان نیامده و اگرچه در کنوانسیون حقوق کودک از آن نامبرده شده است، اما در قوانین کشورها آنچنانکه باید موردتوجه قرار نگرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر چند تعریف دقیقی از حق هویت کودک در حقوق ایران، فقه امامیه و کنوانسیون حقوق کودک وجود ندارد، اما هر سه به آن پایبند بوده و در نتیجه، می‌توان مفهوم آن را در لایه مفاهیم دیگر و مفاد آنها یافت. همچنین مصادیق حق هویت کودک در کنوانسیون حقوق کودک و فقه امامیه مورد بررسی قرار گرفته و داشتن نام به عنوان یکی از مهم‌ترین مصداق این حق در هر دو شناخته شده و مصادیق دیگری نیز در هر کدام عنوان شده و در پایان به بررسی نقاط ضعف قانون ایران در اجرای قوانین مربوط به حق بر هویت کودک پرداخته شده و قوانینی که سبب سلب حق هویت کودک می‌شود و با این حق تداخل دارد آورده شده است.

کلید واژه‌ها: حق، هویت، کودک، کنوانسیون، فقه امامیه، ایران

^۱ نویسنده مسئول



مقدمه

در دین مبین اسلام، حقوق کودکان اهمیت فراوانی دارد، به طوریکه حتی جنین متولد نشده نیز دارای برخی حقوق است، مثل حق حیات که کسی نباید مانع حیات جنین شود و در غیر این صورت پرداخت دیه بر آن واجب می شود یا جنین متولد نشده دارای حق ارث است که با تولد زنده، این حق برای کودک ثابت می شود، اما در منابع جامع فقهی گذشته، باب مستقلى به حقوق کودکان اختصاص نیافته، بلکه حقوق مختلف او با توجه به موضوع، در ابواب مختلفی آمده است. البته در شرایط کنونی در دروس خارج فقه معاصر حقوق کودک مورد توجه جدی واقع شده و به صورت مستقل محل بحث فقیهانی شیعه گشته است. یکی از حقوقی که می توان از آن در فقه امامیه بحث کرد، حق هویت است. هرچند در متون گذشته فقهی، از این حق به صورت مستقل بحث نشده، اما با توجه به مکتوبات فقه شیعه می توان اذعان کرد حق بر هویت و حمایت از آن در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است. در دین اسلام، احکام مربوط به نسب، ولادت و محرمیت و حرمت زنا خودبه خود سبب حفظ حق هویت کودکان می شود. این احکام باعث می شوند نسبت های خانوادگی و هویت ها مبهم و نامشخص نشوند و وجود چنین احکامی در جهت حفظ هویت افراد، حتی در صورت عدم طرح این حق، وجود این حق را بدیهی می کند؛ بدین معنی که اگر این احکام به درستی اجرا شوند، دیگر چالشی با عنوان بی هویتی افراد ایجاد نمی شود؛ باین حال لازم است تا در پژوهشی مستقل ماهیت حق هویت کودک و مصادیق آن در فقه امامیه بررسی شوند.

در حقوق ایران نیز هرچند از حق هویت مستقلی مستقلاً بحث نشده است، اما همچون فقه امامیه و به تبعیت از آن، در مواد قانونی متفاوتی به راهکارهای حفظ حق هویت کودکان اشاره نموده است. برای نمونه، در اصل بیست و یکم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به حمایت از حقوق کودک اشاره شده و مصادیق حقوق کودک، در بسیاری از مواد قانون مدنی و قوانین جزایی ایران، بر پایه آرای مشهور فقه امامیه، مورد توجه قرار گرفته است. برای حفظ حقوق کودک تضمین‌هایی در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین در نظر گرفته شده است؛ باین حال کم‌وکاستی‌هایی در این زمینه وجود دارد. برای مثال، قوانین در مسئله اهدای جنین و سرپرستی کودک حمایت کامل از هویت کودک ننموده یا زمینه‌ساز تداخل هویتی شده‌اند (اسدی، ۱۳۸۷: ۱) که با توجه به اهمیت بالای این موضوع انتظار می‌رود توجه بیشتری به این موضوع و پیامدهای آن مبذول گردد؛ بنابراین، در دومین گام لازم است تا به صورت مستقل و منقح از حق هویت کودکان و چالش‌های استیفای آن در حقوق ایران سخن گفت. البته در حقوق ایران، چالش‌های جدی برای تحقق این حق کودک وجود دارد که لازم است با روشن شدن ابعاد مختلف آن، راه را برای تصویب قوانین برای اصلاح آن گشود.

در گام سوم، باید به سراغ کنوانسیون حقوق کودک و بستر نگارش و تصویب آن رفت تا جایگاه حق هویت کودک را در آن مشخص نمود. پیش از جنگ جهان ی دوم و پیش از تصویب این کنوانسیون، کودکان به عنوان اعضای هر جامعه، اهمیت کمتری در جوامع گذشته داشتند و از هیچ حق و حقوقی به صورت مستقل برخوردار نبودند، به طوریکه قرون وسطی و قبل از آن را می‌توان دوران سیاه کودکی نامید (کامیاب، ۱۳۹۲-۱۳۹۱: ۵)؛ اما کم‌کم با پیشرفت جوامع اهمیت بیشتری به کودکان داده شد و حقوق بسیاری مانند حق حیات، حق بقا، حق رشد و غیره

برای آنها به عنوان عضوی از جامعه مطرح گردید؛ اما برخی از این حقوق مانند حق بر ثبت نام، حق برقراری ارتباط با پدر و مادر و حق هویت انسانی و همچنین حق بر هویت ملی و سایر عوامل فرهنگی مانند مذهب، قومیت یا سایر ویژگی‌ها که به جنبه هویتی افراد می‌پردازد، اهمیت بیشتری برای کودکان دارد، زیرا

کودکان توانایی مراقبت از خود و هویت خود را ندارند و همچنین هویت افراد از کودکی و چه‌بسا از بدو تولد شکل می‌گیرد؛ لذا قانونگذار در کشورهای مختلف درصدد برآمده‌اند تا از منافع و عناصر هویتی کودک دفاع کنند که خود تسلطی بر آن ندارد؛ بنابراین، طرح این مسئله برای کودکان به‌عنوان گروه آسیب‌پذیر در اجتماع اهمیت بیشتری دارد.

مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی برای حفاظت از حقوق کودکان، کنوانسیون حقوق کودک است که به برخی از حقوق کودک اشاره کرده است. کنوانسیون حقوق کودک از عناصر هویت کودک، نام، تابعیت و ارتباط والدینی را بیان داشته و برای حفظ این عناصر، تکالیفی را به دولت‌های کشورهای عضو سپرده است.

باوجود تلاش این کنوانسیون برای اشاره به حق‌های کودکان، این کنوانسیون نیز خالی از اشکال نیست. علاوه بر عدم وجود ضمانت اجرای مناسب برای مفاد این کنوانسیون، کنوانسیون مذکور در بیان تعاریف و مصادیق حقوق کودک دچار ضعف جدی است و نتوانسته است ابعاد مختلف حقوق کودک را پوشش دهد. بنابراین، در گام سوم، علاوه بر تبیین جایگاه این حق در این سند، نقاط ضعف کنوانسیون حقوق کودک نیز باید بررسی شوند و در این زمینه دانستن سازوکارهای اجرا و ضمانت اجرای این حق در کنوانسیون حقوق کودک لازم است.

• مفهوم حق هویت کودک در حقوق ایران

در قانون ایران، حق مکتوبی به نام حق هویت کودک به‌طور مستقل وجود ندارد، اما وجود قوانینی که زمینه‌ساز حفظ هویت برای کودک است، حاکی از اهمیت آن در قانون ایران است که به‌طور ضمنی به آن پرداخته شده است. اگرچه تعریف مشخصی از مفهوم حق هویت کودک در قوانین ایران وجود ندارد؛ اما می‌توان مفهوم آن را در قالب قوانینی همچون ارتباط با والدین و نسب، حضانت کودک، قانون ثبت‌احوال، قوانین مربوط به فرزندخواندگی، قوانین مربوط به اهدای

جنین، قوانین مربوط به تابعیت دریافت کرد.

هویت یک فرد در جامعه علاوه بر نام، از نام خانوادگی و اسم پدر تشکیل شده است و یک فرد بانام و نام خانوادگی و از طریق مشخص شدن نسبتش با والدین یا یک قبیله خاص، در جامعه معرفی می‌شود. حقیقتاً احترام و اعتبار وجودی یک فرد با انتسابش به والدین و داشتن اصل و نسب خانوادگی حاصل می‌شود. همین‌طور که اگر ازدواج شرعی در جامعه انجام نمی‌گرفت؛ جامعه مملو از فرزندان نامشروع می‌شد که اصل و نسبی نداشتند (احمدیان، ۱۳۹۱: ۳۳).

• عناصر حق هویت کودک

در حقوق ایران از هویت فردی سخنی به میان نیامده و عناصر آن به‌صورت جداگانه بیان نشده است. بااین‌حال، از عناصر تشک‌یل‌دهنده هویت کودک در قوانین دیگر حمایت‌شده است (اسدی، ۱۳۸۷: ۵) و با رجوع به قوانین دیگر می‌توان به این قوانین حمایتی برای کودکان دست‌یافت. بعضی از عناصر هویت کودک که می‌توان به آن اشاره کرد در ضمن نهادهای زیر آورده شده است:

۱- نسب

در این بخش به بررسی مفهوم نسب از نظر لغوی و اصطلاحی پرداخته می‌شود: نسب لغتی عربی است که لغت‌شناسان معنی‌های نزدیک به هم برای آن آورده‌اند مانند قرابت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۷۵۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷: ۲۷۱)، خویشاوندی و نژاد (فتح‌الله، ۱۴۱۵ ق، باب نون: ۴۲۵)، خویشاوندی (عمید، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۳۹۳)، اصل و منسوب شدن نسبت میان دو چیز (بندر ریگی، ۱۳۶۰: ۵۷۷)، خویشاوندان و نزدیکان (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴: ۱۱۸)، نژاد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۷۰)، به معنی خویشاوندی است و آن ارتباط خاص حاصل از ولادت نزدیک یا دور است (مشکینی، ۱۳۹۲: ۵۳۵). همچنین در معنای لغوی نسب آمده است: نسب «عرفا و لغتا» رابطه‌ای است اعتباری که از پیدایش یک



انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود» (علوی قزوینی، ۱۳۷۴: ۱۴). همچنین در معنای اتصال چیزی به چیز دیگر نیز آمده است (ابوالحسین، ۱۴۰۴ ق، ج ۵: ۴۲۴). با توجه به معانی آورده شده متوجه می‌شویم که معانی مختلفی که برای لغت نسب آورده شده تا چه اندازه نزدیک به هم هستند و این نشان می‌دهد که لغت شناسان در معنای آن اختلاف زیادی باهم ندارند و به‌طور کلی نسب در معانی قرابت و خویشاوندی بیشترین کاربرد را دارد.

معنای اصطلاحی نسب: نسبت عبارت از رابطه خویشاوندی است که از راه خون بین دو یا چند نفر برقرار می‌شود. نسب را در معنای فرزند و اولاد به‌کاربرده‌اند. به همین جهت در تعریف نسب می‌توان گفت که رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می‌کند. رابطه‌ای که کودک با والدین خود دارد گاه از نظر قانون، به رسمیت شناخته می‌شود که رابطه مشروع و قانونی است در این صورت کودک، فرزند قانونی و مشروع پدر و مادر است. گاه این رابطه را قانون به رسمیت نمی‌شناسد که در این صورت فرزند غیر مشروع پدر و مادر است (طاهری، ۱۳۷۰، ج ۳: ۹۸).

در تعریف دیگری آمده است: «نسب به معنی قرابت و خویشاوندی است و امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد، موجود می‌گردد» (امامی، بی‌تا ج ۵: ۱۵۱).

تعریف دیگری از نسب آمده است: «نسب عبارت است از رابطه خویشاوندی بین دو نفر که یکی از نسل دیگری یا هر دو از نسل شخص ثالث باشند که به این معنی مترادف با قرابت نسبی» است که یک رابطه طبیعی و خونی بین خویشاوندان نسبی خط مستقیم یا خط اطراف است» (صفایی و امامی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۹). همچنین، انساب زنجیره نامهایی است که به علت نیاز اجتماعی و قبیله‌ای



برای شناخت افراد و تمایز آنها از یکدیگر پدید آمده است (حضرتی، ۱۳۸۷: ۲۲۹) یا اتصال و رابطه یک شخص با دیگری مانند پدر و پسر یا منتهی شدن دو شخص ثالث مانند دو برادر از طریق ولادت است (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۹: ۷).

برخی نیز نسب را علاقه بین دو نفر می‌دانند که به سبب تولد یکی از آنها از دیگری یا تولدشان از شخص ثالث حادث می‌شود (بروجردی عبده، ۱۳۳۹: ۲۸۰). همچنین، در تعریف دیگری آمده است: «منتهی شدن پسر به پدر یا به ثالث منتهی شود مانند دو برادر که به پدر و مادر منتهی می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۵۷۲). در این تعریف نسب به‌عنوان یک رابطه شخصی که از طریق ولادت با شخص دیگری ایجاد می‌شود در نظر گرفته شده است.

نسب مشروع نسبی است که ناشی از نکاح باشد و به فرزند حاصل از این رابطه در فقه و حقوق اولاد گفته می‌شود. نسب نامشروع نسبی است که ناشی از رابطه‌ای غیر نکاح است که خود به دو نوع تقسیم می‌شود: نسب ناشی از زنا و نسب ناشی از شبهه. نزدیکی به شبهه یعنی یک مرد و یک زن به سبب اعتقاد به وجود رابطه زوجیت نزدیکی کنند؛ که در این صورت اگر طفلی حاصل شود نسب به شبهه ایجاد می‌شود. اگرچه طبق این تعریف، چنین کودکی نامشروع به نظر می‌آید اما قانونگذار نسب ناشی از این رابطه را در حکم نسب مشروع دانسته است؛ اما کودک حاصل از رابطه زنا با آنکه دارای نسب خونی و طبیعی با والدین خود است، اما قانونگذار نسب او را شناخته است (عامریان، ۱۳۹۵: ۶-۷).

قانون نیز کودکی که متولد از رابطه‌ای باشد که از نزدیکی به شبهه حاصل شده باشد به زن و مردی که دچار شبه شده‌اند، ملحق می‌داند؛ اما اگر یکی از آن‌ها دچار اشتباه شده باشد و دیگری آگاه باشد فرزند حاصل شده فقط به فردی که اشتباه کرده است ملحق می‌شود. این حکم در مورد نکاح باطل هم وجود که اگر افراد ندانند در ازدواجشان مانع وجود دارد و ازدواج کنند فرزند حاصل شده به آن



ها ملحق می شود؛ اما اگر بدانند نکاح آن ها مانع دارد و باطل است و صاحب فرزند شوند، آن فرزند به آن ها ملحق نمی شود و مانند فرزند نامشروع می ماند و اگر یکی از آنها آگاه به بطلان نکاح باشد و دیگری نداند فرزند فقط ملحق به کسی می شود که به حرمت نکاح علم ندارد ۱ و همانطور که گفته شد فرزندی که حاصل از زنا باشد به پدر و مادر خود ملحق نمی شود و رابطه نسبی بین آن فرزند و پدرش ایجاد نمی شود. ۲ با توجه به معنای اصطلاحی و مواد قانونی درمی یابیم که نسب یک رابطه ای است که عناصر اصلی تشکیل آن مرد و زن در غالب پدر و مادر در یک رابطه مشروع هستند که به طبع آن نسبت های دیگر خویشاوندی مثل رابطه برادری و دیگر نسب ها ایجاد می شود و باید پدر و مادری باشد تا نسب ایجاد شود.

۲- ثبت احوال

داشتن نام و هویت مشخص نخستین و ابتدایی ترین حق برای کودکان است. داشتن نام برای هر فرد ضروری و سبب تمایز او از دیگران می شود و به نوعی نام برای هر فرد یک نشانه است، جهت شناسایی او. در زمانهای قدیم و با توجه به کوچک بودن جوامع، مردماکثرا هم دیگر را می شناختند و نسب ها مشخص بود و اثبات آن نیز آسان بود؛ اما با گسترش جمعیت و بزرگ شدن جوامع و ضروری بودن اطلاع حاکمیت از نسبت افراد، قوانین و مقرراتی به منظور ثبت مقرر شد.

ماده ۱۱۶۶ قانون مدنی: «هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسب طفل به هریک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود. در صورت جهل هر دو نسب طفل نسبت به هر دو مشروع است.» ۲ ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی شود.»

نخستین بند در ماده ۱ قانون ثبت احوال کشور ثبت ولادت و صدور شناسنامه است. شناسنامه به عنوان یک سند رسمی در کشور برای احراز و ثبت هویت افراد است؛ و ذکر آن در نخستین ماده حاکی از اهمیت آن در قانون و نقش پررنگ آن برای هویت افراد است. در شناسنامه مهم ترین اطلاعات هویتی هر فرد از جمله نام، نام خانوادگی، نام پدر، نام مادر، تابعیت و محل تولد ثبت می شود. در ماده ۱۲ این قانون آمده است: «ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارج ی باشند باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیک ترین مأمور کنسول ی یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام می شود». از این ماده درمی یابیم که هویت کودکانی که به ایران مربوط می شوند، برای کشور مهم است و باید در سازمان ثبت احوال ایران ثبت و مشخص شود. چه کودکان ایرانی که در خارج از کشور به دنیا می آیند و چه کودکان خارجی که در خاک ایران به دنیا می آیند.

در ادامه در تبصره ماده ۱۳ آمده است: «پس از ثبت ولادت اگر طفل ایرانی باشد شناسنامه صادر و تسلیم می گردد و اعلامیه برای ثبت واقعه در دفتر ثبت کل وقایع صفحه مخصوص پدر مادر به اداره ثبت احوال محل صدور شناسنامه آنان فرستاده می شود و در صورتی که طفل خارج ی باشد گواهی صادر و تسلیم می گردد».

در ماده ۱۵ آمده است: «ثبت ولادت باید مستند به تصدیق پزشک یا مامای رسمی با مؤسسه ای که طفل در آنجا متولد گردیده است باشد، در غیر این صورت واقعه به تصدیق دو نفر گواه ثبت می شود. تصدیق دو نفر گواهمعمولا برای تولد اطفالی صورت می گیرد که در محلی غیر بیمارستان متولد می شوند».

در این ماده ذکر شده است که برای ثبت هویت کودک پزشک یا ماما که کودک



را به دنیا آورده و همچنین بیمارستانی که کودک در آن متولد شده است، باید به دنیا آمدن کودک را تصدیق کنند. این امر به منظور جلوگیری از مخدوش شدن هویت کودک است، زیرا که ممکن است افرادی هویت کودک به دنیا آمده خود را ثبت نکنند یا قصد فروش کودک خود را داشته و بخواهند به نام افراد دیگری شناسنامه برای کودک ثبت کنند و قانون برای جلوگیری از هر عمل و رفتاری که احتمال داشته باشد در زمان تولد کودک و ثبت هویت او خلل ایجاد کند این قوانین را نگاشته است.

در ماده ۱۶ این قانون آمده است: «اعلام و امضای دفتر ثبت کل وقایع به ترتیب به عهده اشخاص زیر خواهد بود: ۱- پدر یا جد پدری ۲- مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد ۳- وصی یا قیم یا امین ۴- اشخاصی که قانوناً عهده دار نگهداری طفل باشد ۵- متصدی یا نماینده مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است ۶- صاحب‌واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد.

با توجه به این ماده تنها اشخاصی می‌توانند هویت کودک را به ثبت برسانند که از نظر قانون امین نسبت به احوال کودک هستند و به‌ندرت پیش می‌آید که این افراد بخواهند با عمل خود سبب از بین رفتن هویت واقعی کودک شوند. اگرچه ممکن است این افراد نیز در این زمینه دچار خطا شوند، مثل پدر یا مادران نالایقی که کودک خود را رها می‌کنند یا به افراد دیگر می‌فروشند و سبب از بین رفتن هویت واقعی آنها می‌شوند؛ اما چون به‌طور طبیعی و از نظر انسانی کمتر پدر و مادری این کار را می‌کند؛ این افراد از نظر قانون نسبت به طفل وثیق محسوب می‌شوند. به علاوه، در تبصره ماده ۱۶ آمده است: «در صورتی که ازدواج پدر و مادر طفل به ثبت نرسیده باشد اعلام ولادت و امضای اسناد متفقاً به عهده پدر و مادر خواهد بود و هرگاه اتفاق پدر و مادر در اعلام ولادت میسر نباشد سند طفل با

اعلام یکی از ابوین که مراجعه می‌کند با قید نام کوچک طرف غائب تنظیم خواهد شد. اگر مادر اعلام کننده باشد نام خانوادگی مادر به طفل داده می‌شود». باید توجه داشت که در این ماده منظور پدر و مادری است که ازدواج آنها به صورت شرعی بوده است، اما آن را ثبت نکرده‌اند و در انتساب فرزند به خود نیز اختلافی ندارند که در این صورت با اطلاع دادن از زوجیت خود و تولد طفل در اداره ثبت‌احوال برای کودک خود شناسنامه دریافت می‌کنند. (فلاحی، ۱۳۹۵: ۸۲) اما اگر پدر و مادر در اعلام تولد کودک اتفاق نظر نداشته باشند یا اینکه یکی از آنها در دسترس نباشد یا یکی از آنها نسبت طفل با خود را تأیید نکند در این صورت در شناسنامه کودک نام هرکدام از والدین که برای اعلام به ثبت‌احوال مراجعه کرده است و همچنین نام کوچک والد غائب ذکر می‌شود. در ماده ۱۷ آمده است: «هرگاه ابوین طفل معلوم نباشند سند با نام خانوادگی آزاد و نامهای فرضی در محل اسامی ابوین تنظیم می‌گردد». این نکته نیز قابل توجه است که در این صورت، در شناسنامه کودک، فرضی بودن نام والدین ذکر نمی‌شود اما در ثبت‌احوال مشخص است و اگر بعد از مدتی پدر و مادر واقعی طفل مشخص شوند، اداره ثبت‌احوال موظف است نام آنها را در شناسنامه کودک ثبت کند.

قانون ثبت‌احوال و ثبت ولادت کودک یکی از تدابیر حقوق ایران برای حفظ هویت کودک و افراد است و در این قانون سعی بر این بوده است که افراد سوءاستفاده گری را که به هر طریقی قصد از بین بردن هویت کودک دارند، به مقصود خود نرسند.

۳- سرپرستی کودک

دانستیم که شریعت مقدس اسلام برای فرزندخواندگی مشروعیتی قائل نیست و به هیچ عنوان نمی‌توان فرزند دیگری را به عنوان فرزند خود نامید و احکام مربوط به فرزند حقیقی بر فرزندخوانده بار نخواهد شد. قانون مدنی ایران نیز در این

زمینه از احکام شرع و اسلام پیروی کرده و فرزندخواندگی را نپذیرفته است؛ اگرچه صریحا ماده قانونی مبنی بر عدم پذیرش فرزندخواندگی مشاهده نمی شود اما با ملاحظه مواد قانونی که اشاره به عدم نسبت واقعی فرزندخوانده با سرپرستان، همچنین حفظ هویت واقعی او^۱ و ممنوعیت ارث بین فرزند به سرپرستی گرفته شده و فرزند پذیر، متوجه می شویم قانون ایران فرزندخواندگی را نپذیرفته است اما سرپرستی از کودکانی که سرپرستی ندارند، برای تأمین نیازهای آنها ازجمله نیازهای مادی و معنوی پذیرفته شده است و قانون برای سرپرستی از این کودکان تدابیری در نظر گرفته است که هویت واقعی آنها در صورت معلوم بودن از بین نرود و حتی اگر هویت واقعی آنها

معلوم هم نباشد، در اداره ثبت احوال عدم انتساب واقعی کودک با سرپرستانش به ثبت می رسد. به عبارتی قانون ایران فرزندخواندگی را در مواد خود مطرح نکرده است و به جای آن از واژه سرپرستی و فرزندپذیری استفاده کرده که به این معنا است که این عمل یعنی سرپرستی از کودک اثراتی که در فرزندخواندگی وجود دارد را ندارد؛ و به این منظور قانون حمایت از کودکان بی سرپرست در ۲۹ اسفند ۱۳۵۳ در ایران تصویب شد که به موجب آن سرپرستی کودکان بی سرپرست به زن و شوهر های فاقد فرزند ممکن شد. این قانون در سال ۱۳۸۷ دچار تغییراتی شد که طی آن زن و شوهر های دارای فرزند و زنان مجرد نیز تحت شرایطی می توانند سرپرستی کودکان را برعهده گیرند؛ و در سال ۱۳۹۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست جایگزین قانون قبلی شد. (فرامرزی رزینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۷).

در ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست آمده است: «اداره ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و همچنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه



سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند. همچنین اداره ثبت‌احوال مکلف است شناسنامه جدیدی برای کودک یا نوجوان تحت سرپرستی با درج نام و نام خانوادگی سرپرست یا زوجین سرپرست ص ادر و در قسمت توضیحات مفاد حکم سرپرستی و نام و نام خانوادگی والدین واقعی وی را در صورت مشخص بودن، قید نماید». از آنچه در این ماده آمده است درمی‌یابیم که کودکی که به سرپرستی گرفته می‌شود شناسنامه جدیدی دریافت می‌کند و نام او در شناسنامه سرپرستانش وارد می‌شود؛ اما نه به‌عنوان فرزند حقیقی آنها بلکه نام او به‌عنوان فرزند تحت سرپرستی در شناسنامه آنها قید می‌شود و نام سرپرستان نیز با همین عنوان در شناسنامه کودک ثبت می‌شود به این صورت که اگر پدر و مادر واقعی کودک مشخص باشند؛ نام آنها به‌عنوان والدین اصلی در شناسنامه کودک خواهد بود، همچنین در تبصره ۱ این ماده آمده است: «اداره ثبت‌احوال مکلف است سوابق هویت و نسبت واقعی طفل را در پرونده وی حفظ نماید.» به این صورت هم هویت واقعی کودک حفظ خواهد شد و هم کودکی که فاقد سرپرست است، می‌تواند از موهبت داش تن سرپرستانی که به نیازهای او توجه می‌کنند بهره‌مند شود.

در ماده ۲۵ این قانون آمده که در صورت مشخص شدن پدر یا مادر یا جد پدری کودک یا نوجوان یا وصی منصوب از سوی ولی قهری در صورتی که صلاحیت لازم برای سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر از سوی دادگاه، دارا باشند، سرپرستی افرادی که کودک را به سرپرستی گرفته‌اند فسخ می‌شود. این ماده نشان‌دهنده این است که وجود کودک در کنار پدر و مادر یا خویشانی که به او منتسب هستند تا چه میزان اهمیت دارد و حتی اگر کودک تحت سرپرستی افراد دیگری باشد باوجود آنها این سرپرستی فسخ می‌شود، بدیهی است که حفظ هویت کودک در کنار والدین حقیقی یا خویشانش به‌مراتب آسانتر است، مانند همه



کودکانی که در میان اقوام خود زندگی می‌کنند، به‌طوریکه حتی اگر والدین آنها هم نباشند همه هویت آنها را می‌شناسند و می‌دانند که این کودکان از کدام ریشه و نسب هستند. با بررسی این موارد درمی‌یابیم همانطور که انتساب کودک دیگران به‌عنوان فرزند خود در دین اسلام و به‌تبع آن در حقوق ایران پذیرفته‌شده نیست و اثرات سوئی در هویت این کودکان خواهد داشت قانونگذار تلاش نموده است تا هم بستری را برای سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست فراهم کند و هم از هویت این کودکان محافظت کند. (فلاحی، ۱۳۹۵: ۸۴)

۴- اهدای جنین

مسئله اهدای جنین یکی از مسائل نوظهوری است که در عصر جدید به آن پرداخته‌شده است. از زمانهای گذشته مسئله ناباروری وجود داشته است و از ابتدا علم پزشکی به دنبال راهی برای رفع آن بوده تا هر زوج ناباروری بتواند فرزند دار شود. در عصر حاضر روشهای نوین باروری ازجمله اهدای جنین مطرح است و اگرچه تأثیر مثبتی در روابط خانوادگی داشته اما نگرانی‌های قابل‌توجهی هم در پی دارد از جمله این نگرانی‌ها آینده و هویت کودکانی است که به این شیوه به دنیا می‌آیند. منظور از اهدای جنین روشی است که در آن، محصول لقاح آزمایشگاهی که جنین زوجی قانونی است به رحم زوجه زوج قانونی دیگری انتقال می‌یابد (فرامرزی رزینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۶).

به این منظور قانونگذار قانونی تحت عنوان نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور را در سال ۱۳۸۲ تصویب کرده است. در ماده ۲ این قانون آمده است: «تقاضای دریافت جنین اهدایی یدبا مشترکا از طرف زن و شوهر تنظیم و تسلیم دادگاه شود». به‌موجب این ماده افراد مجرد یا زنان بیوه نمی‌توانند برای دریافت جنین از این شیوه اقدام کنند؛ زیرا که قانونگذار در کنار ایجاد راهکارهای جدید برای کودک دار شدن خانواده‌ها، درصدد حمایت از کودک حاصل‌شده است که این

کودک در وضعیتی حاصل و متولد شود که ثبات هویتی و خانوادگی داشته باشد. در حالیکه اگر کودک از یک زن به تنهایی حاصل شود نه دارای خانواده طبیعی خواهد بود و نه هویت مشخصی دارد؛ بنابراین قانونگذار با این ماده سعی کرده از مشکلات هویتی پیش رو پیشگیری کند. در ماده ۳ آیین نامه اجرایی این قانون آمده است: «وظایف و تکالیف زوجین اهداگیرنده جنین و طفل متولد شده از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.» با توجه به این ماده درمی یابیم که قانونگذار کودک حاصل از این روش را مانند کودک طبیعی برای پدر و مادر دانسته و تمام تکالیف و وظایف والدین و کودک در قبال هم را برای این کودکان و پدر و مادرشان نیز در نظر گرفته است. در ماده ۶ آیین نامه، موضوع بحث، احراز هویت زوجین اهداکننده را در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری، ضروری دانسته و این امر به منظور پیشگیری از بی هویتی جنین است. (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۱).

البته لازم به ذکر است که این قانون بسیار مختصر و در بسیاری موارد مسکوت است و نیازمند بررسی های بیشتر است. به عنوان مثال درباره محرمانه بودن اهدا و انتقال جنین و ضرورت افشا نکردن نام اهداکنندگان برای زوجین دریافت کننده، قانون نحوه اهدای جنین، سکوت اختیار کرده و این قاعده در آیین نامه اجرایی قانون آمده است؛ در حالیکه لازم است در خود قانون به این قاعده تصریح شود (معینی فر، ۱۳۹۰: ۵۵). در حقوق ایران، برابر ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، پزشکان باید اسرار بیمار را به صورت محرمانه نگهداری کنند. همچنین برابر آیین نامه تأسیس آزمایشگاه تشخیص طبی مصوب ۱۳۳۴، هر آزمایشگاه تشخیص طبی موظف است اسرار پزشکی را محفوظ دارد و نتیجه آزمایش را فقط از طریق شخص بیمار یا کسی که قبض رسید آزمایشگاه را می آورد، برای پزشک معالج ارسال دارد. از نظر محرمانه بودن مدارک ثبت احوال نیز ماده ۳۴ قانون ثبت احوال



مصوب ۱۳۵۵ مقرر می‌دارد: «افشای اطلاعات مندرج در دفتر ثبت کل وقایع و اسناد سجلی جز برای صاحب سند و مقامات قضایی و دولتی ذیصلاح، ممنوع است. به نظر می‌رسد قوانین مذکور در این مختصر نتواند پاسخگوی این مسئله باشد. هرچند تقاضاکنندگان یا گیرندگان از بیماری عقیم بودن رنج می‌برند، محرمانگی این مسئله بسیاری از جوانب دیگر از جمله اطلاعات اهدا کنندگان را نیز شامل میشود، درحالی‌که قوانین مذکور فقط درباره محرمانه نگهداشتن بیماری فرد است؛ نه مسائل دیگر. بنابراین قوانین فوق راهگشای حل این مسئله نیست (همان: ۵۵-۵۶).

• ماهیت حق هویت کودک

با توجه به عنوان پژوهش در می‌یابیم که هویت به عنوان یک حق در نظر گرفته شده است. در تعریف حق دانستیم حق در بردارنده نوعی بهره مندی توان اختیار و استفاده برای شخص است (امامی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۴). همچنین دانستیم که هر حقی دارای عناصر من له الحق، من علیه الحق و متعلق حق هست و لازم است بدانیم هر کجا حقی است، در مقابل آن تکلیفی و هر کجا تکلیفی است در مقابل آن حقی است (بهشتی ۱۳۸۰: ۳۶-۳۷). البته شاید این مسئله مطرح شود که حقوقی نیز وجود دارد که برای کسی ایجاد تکلیف نمی‌کند و نمی‌توان گفت که در مقابل هر حق تکلیفی نیز ایجاد میشود مثلاً هر کسی حق دارد روی کره زمین راه برود؛ اما کسی تکلیفی ندارد که برای راه رفتن به او کمک کند. در حالی که این طور نیست و برای این حق هم برای دیگران تکلیف وجود دارد که مانع این حق نشوند و به حق او احترام بگذارند. همچنین حقوقی هم وجود دارند که در آن علاوه بر اینکه برای دیگران تکلیف ایجاد میشود برای خود من له نیز تکلیف ایجاد میشود؛ یعنی فرد هم دارای حق است و هم برای آن حق دارای تکلیف است مانند حق حیات که هر انسانی دارای حق حیات است و همان طور که دیگران تکلیف

دارند مانع حق حیات هیچ انسانی نشوند خود انسان نیز تکلیف دارد از این حق خود مراقبت کند و خود به حیات خود آسیب نرساند. حق هویت کودک نیز از این امر مستثنا نیست و دارای این عناصر است در این حق که من له الحق در آن کودکی است که توانایی مراقبت از خود و دستیابی به حقوقش را ندارد مطمئناً تکلیفی نیز در جهت حفظ حقوق خود من جمله حق هویت خود ندارد و اینکه از شخص کودک انتظار برود که خود از هویتش مراقبت کند؛ امری نامعقول و غیر منطقی است؛ بنابراین تکلیف حفظ این حق بر گردن خود کودک نیست پس ناگزیر این حق برای دیگران یعنی اطرافیان کودک این تکلیف را ایجاد میکند که تا آنجا که می توانند از این حق برای کودک حراست تکلیف نیز برای مکلفان باقی خواهد بود.

• پیش بینی موارد نقض حق هویت کودک

اگرچه که ایران در قوانین خود به پیروی از دین اسلام در پی حفظ هویت کودکان است و در قوانین خود سعی بر آن داشته است تا از این حق برای کودکان محافظت کند اما در قوانین شاهد مواردی هستیم که خود آنها ناقض حق هویت کودکان میباشند و این قوانین نیازمند بازنگری و بررسی بیشتر در جهت حفظ حق هویت کودکان میباشند که در ادامه به مواردی از آنها به اختصار پرداخته شده است.

محرمانگی در اهدای جنین: امروزه یکی از روشهای باروری برای زوجینی که به صورت طبیعی دارای فرزند نمیشوند، روش اهدای جنین و گامت از شخص ثالث است. با ورود این روش در دنیای پزشکی به دنبال آن چالشهای مختلفی به وجود آمد که نیازمند قوانینی که مخصوص شیوه اهدای جنین به زوجین است. به همین منظور در کشورهایی که از این شیوه برای درمان باروری استفاده میکنند قوانینی در مورد شرایط اهدا جنین و دریافت آن وضع شد. از جمله این شرایط مشخص



نبودن هویت اهدا کننده جنین است که از نظر حقوقی و همچنین اخلاقی بسیار مورد بحث است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که به کمک این شیوه به زوجین نابارور کمک کرده است تا صاحب فرزند شوند و قوانینی را در این زمینه در سال ۱۳۸۳ تحت عنوان آیین نامه اجرایی قانون نحوه اهدا جنین به زوجین نابارور وضع کرده است. در ماده این قانون آمده است اهدا جنین در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری با احراز هویت آنان و به صورت کاملاً محرمانه انجام گیرد. با توجه به این ماده در می یابیم که قانون ایران نیز از شیوه محرمانه بودن هویت افراد اهدا کننده پیروی کرده است. و همچنین از منظر قانون جنین اهدا شده فرزند قانونی اهدا گیرندگان محسوب میشود از طرفی برای اهدا کننده چنین هیچ حقی قائل نیست. طرفداران نظریه محرمانگی معتقدند نسب واقعی کودک راز و سری است که باید از کودک و دیگران پنهان نگاه داشته شود و افشای آن نوعی دخالت آشکار در حریم خصوصی افراد است که اخلاق انسانی آن را، به لحاظ پیامدهای منفی اش عملی نکوهیده می شمارد؛ از این رو باید اصل و قانون را بر محرمانگی قرار داد (عبدالله زاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۳۶۳) از دیگر دلایل طرفداران این ماده این است که ناشناخته بودن اهدا کنندگان موجب می شود تا نظام تربیتی واحدی برای کودک به کار گرفته شود و طفل از سرگردانی در رشد هویتی نجات یابد؛ زیرا ممکن است کودک پس از آشنایی با اهدا کنندگان دچار اختلال چند هویتی شود (علوی قزوینی، ۱۳۹۷: ۱۰) اما آنچه مشخص است این است که این دلایلها از نظر فقهی و قانونی وجهی ندارد، مثلاً نسب هر فرد جز حریم خصوصی ای که لزوم بر پنهان کردن آن باشد قرار ندارد؛ بنابراین افشای نسب دخالت در حریم خصوصی نیست. در اسلام نیز در جهت حفظ هویت و گم نشدن نسب افراد توصیه ها و روایتهایی وجود دارد که در آن سفارش به کارهایی نظیر اعلام نکاح میکند تا نسب افراد از گم شدن محفوظ بماند. امام صادق (ع) از پیامبر



اکرم (ص) روایت فرمودند: الا نکاح إلا بولی و شاهی عدل نکاح نیست مگر با اذن ولی و حضور شهود (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴: ۳۱۷).

تأکید این روایت بر حضور شاهد برای ازدواج در جهت حفظ نسب و هویت افراد است. همچنین نسب و هویت از جمله مواردی است که لازم است عیان باشد و نسبت ها مشخص باشد تا اختلاط در نسب صورت نگیرد و اصل در روشن و مشخص بودن نسبه است نه در پنهان بودن آن. مشخص است که محرمانگی در اهدای جنین سبب از بین رفتن هویت اصلی کودک می شود و موجب ضایع شدن حق کودک است کودکی که به صورت طبیعی حاصل میشود پدر و مادر حقیقی خود را می شناسد. در حالی که کودکی که از روش اهدای جنین حاصل میشود نمی تواند آنها را بشناسد. شاید گفته شود که در این روش افراد دریافت کننده جنین والدین حقیقی کودک محسوب میشوند؛ اما نظر اکثر فقیهان در مورد نسب طفل این است که صاحب اسپرم پدر اصلی است (خامنه ای، ۱۳۸۶، ج ۲: ۶۷-۷۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵ ق، ج ۷۸۴) در علم پزشکی نیز عامل ایجاد جنین و ماده ای که جنین را می سازد از ناحیه پدر است؛ از نظر عرف نیز، معیار نسب و ارتباط میان دو انسان را پیدایش یکی از دیگری میدانند و بر این اساس برای بیان این امر واقعی عنوان نسب را انتزاع می کند (عامریان، ۱۳۹۵: ۷۲).

از این موارد در می یابیم که قانون اهدای جنین نیازمند بررسی بیشتر است و همچنین لازم است که در وضع قوانین تناسب بیشتری با فقه اسلامی داشته باشد زیرا نسب و هویت افراد برای افراد مسلمان جدا از اسلام و توصیه های اسلامی نیست و اتفاقاً یکی از مهمترین مسائل در فقه و اسلام است و حساسیت های زیادی در این زمینه دارد. نکته قابل توجه این است که این قوانین صرفاً در ۱۰ ماده آمده است و در بسیاری از شرایطی که مربوط به این روش باروری است قانون ساکت است و چیزی نگفته است.



• عدم وظیفه دولت در ثبت ولادت

دانستیم که با تولد کودک به موجب ماده ۱ قانون ثبت احوال باید برای او شناسنامه صادر شود؛ اما اعلام و ثبت ولادت کودک تنها توسط افرادی که در قانون ذکر شده است انجام میپذیرد. در ماده ۱۶ قانون ثبت احوال به ترتیب افرادی که می توانند اقدام به ثبت ولادت و دریافت شناسنامه برای او را بکنند ذکر کرده است.

۱- پدر یا جد پدری ۲- مادر در صورت غیبت پدر و در نخستین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد. ۳- وصی یا قیم یا امین

نتیجه گیری

در فقه امامیه معنای حق هویت برای کودک به صورت صریح بیان نشده است و همچنین باب مستقلی در جهت حقوق کودکان وجود ندارد؛ اما این به معنای عدم توجه اسلام و فقه امامیه به کودکان و حقوقشان نیست بلکه حقوق مربوط به کودکان از جمله حق هویت در خلال سایر احکام مرتبط بیان شده است و احکام مربوط به کودکان از احکام بسیار مهم در فقه امامیه است. حق هویت کودک نیز از جمله حقوقی است که در میان سایر احکام میتوان به مفهوم آن و به عوامل مؤثر در آن پی برد؛ مانند احکام مربوط به فرزند خواندگی که با بررسی آن می توان دریافت که اسلام تا چه اندازه به حفظ هویت کودکان اهمیت داده است تا آنجا که به منظور جلوگیری از مخدوش شدن و از بین رفتن هویت کودکان فرزند خواندگی را رد کرده و تنها سرپرستی کودکان با حفظ هویت آنها را به رسمیت شناخته است و از جهت اهمیت موضوع در آیات قرآن و در روایات به آن پرداخته شده است. همچنین از قواعدی چون قاعده فراش میتوان به ماهیت و اهمیت هویت کودکان پی برد. با توجه به این قاعده می توان دریافت هویت کودک به وسیله پدر و مادر ایجاد میشود و این امر تنها از طریق ازدواج شرعی مورد قبول

اسلام و فقیهان امامیه است؛ و اسلام تولد کودک خارج از چهار چوب خانواده و ازدواج شرعی را عاملی در جهت از بین رفتن و گم شدن هویت کودک میدانند در فقه امامیه نام گذاری کودک نیز امری در جهت حق هویت کودک است و در آیات و روایات نیز به آن اشاره شده است؛ زیرا نام عاملی است که سبب تمایز افراد از هم می شود و باعث میشود هویت ها با هم مشتبه نشوند و اسلام برای نام گذاری کودک اهمیت ویژه ای قائل شده است. همچنین داشتن نسب مشخص یا والدین برای کودک نیز از نظر فقه امامیه عاملی در جهت حفظ هویت کودک است که در آیات و روایات به حفظ نسب و مشخص بودن نسبت افراد با هم تأکید فراوان شده است. به منظور جلوگیری از مخدوش شدن هویت کودک اسلام احکامی را نیز پیش بینی نموده که التزام به این احکام و مقررات اسلامی سبب پیشگیری از نابود شدن هویت کودک میشود و زمینه های آن را از بین می برد. از جمله این مقررات عدم جواز چند شوهر برای یک زن است زیرا به اعتقاد اسلام و فقیهان امامیه چند شوهری می تواند سبب اختلاط در انساب شود و به دنبال آن هویت کودک حاصل شده نامشخص باشد. همچنین لزوم عده نگه داشتن برای زنان بعد از طلاق یا فوت شوهر به منظور جلوگیری از مبهم ماندن هویت کودکی است که در این فاصله زمانی به دنیا می آید و اسلام به رعایت آن تأکید فراوان دارد به طوری که ازدواجی را که در زمان عده رخ بدهد به رسمیت نمی شناسد و آن را باطل میداند؛ و میتوان دریافت که یکی از دلایل حرمت زنا در اسلام متزلزل شدن روابط پدر و فرزندی و از بین رفتن هویت فرزندان حاصل از روابط غیر مشروع است. به همین منظور دین اسلام توصیه و سفارش بسیار در جهت تشکیل خانواده دارد زیرا اسلام حفظ هویت کودکان را در غالب خانواده میسر می داند. ۲- در حقوق ایران نیز قوانین و حقوق مربوط به کودکان تحت عنوان مشخصی وجود ندارد، اما به حقوق آنها در موضوعات مختلف اشاره شده است و به صورت پراکنده به آن پرداخته اند.



در حقوق ایران حقی به نام حق هویت کودک به طور صریح وجود قید نشده است اما به طور ضمنی در خلال سایر احکام به آن پرداخته شده است و از طریق آن احکام مفهوم حق هویت کودک در حقوق ایران دریافت میشود. در حقوق ایران مواردی همچون نسبت مشخص کودک با والدین داشتن نام هویت و نسب مشخص از عناصر تشکیل دهنده هویت برای کودک است. در رابطه با حق هویت کودکان در قانون ایران با بررسی قوانینی همچون قوانین مربوط به سرپرستی کودک، اهدای جنین و قانون ثبت احوال میتوان به اهمیت و ماهیت آن پی برد. همچنین با توجه به قانون ایران در زمینه احکام مربوط به محرمانگی در اهدای جنین کودکان بی شناسنامه و عدم وظیفه دولت در ثبت ولادت کودکان می توان دریافت که با وجود اهمیت حفظ هویت کودکان خود این قوانین در جهت آسیب به هویت کودکان بی تأثیر نیست؛ و در خلال قوانین مربوط به کودک ربایی رها کردن طفل کتمان هویت طفل ثبت نکردن هویت طفل خرید و فروش کودک قانون ایران سعی کرده است تا حق هویت کودکان را تضمین نماید مشخص است که قانون ایران نیز مانند بسیاری از قوانین در این زمینه خالی از اشکال نیست؛ به طوری که در بعضی موارد به حقوق کودکان پرداخته نشده یا مانند حق هویت کودکان آن چنان که باید به آن توجه نشده است.



منابع و مأخذ

- کونانی، سلمان، مقاله روح کودک؛ نگاهی به اهداف حقوق کودک در رویکردی تطبیقی، زمستان ۱۳۹۹.
- شکیبایی، زهرا؛ گلزاد، حافظ؛ شکیبایی، حسن، مقاله مفهوم هویت و عوامل موثر در شکل گیری آن
- اسدی، لیلادادات، «نقدی بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان»، پیام آموزش (ماهنامه معاونت آموزشی قوه قضائیه)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶
- اسدی، لیلادادات، حق هویت بر کودک، پاییز و زمستان ۱۳۸۷
- امامی، سید اسدالله و صفایی، سید حسین، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵
- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌نا، ۱۳۶۸
- امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۸۶
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸
- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵
- مشایخی، قدرت‌الله، قاعده‌های فقهی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۳
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، آسیب‌شناسی فقهی قوانین - قانون مدنی، قم، قوه قضائیه، چاپ اول، ۱۳